


Mistake in person in crimes against the spiritual integrity of persons With an approach to the theory of transferred malice

Milad Amiri¹ | Ibrahim Yakuti^{2*} | Asadullah Masoudi Maqam³ | Ahmed Omi⁴

1. PhD student in criminal law and criminology, Islamic Azad University, Semnan branch, Semnan, Iran. milad.amiri.m@gmail.com
2. Associate Professor of Fiqh and Fundamentals of Islamic Law, Faculty Member of Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. Yaghouti2010@yahoo.com
3. Assistant Professor, Department of Law, Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran. asadulah.masoudimagham2022@gmail.com
4. Assistant Professor of the Department of Law, member of the academic staff of Islamic Azad University, South Tehran Branch, Tehran, Iran. ahmad.ommi@yahoo.com

Article Info	Abstract
<p>Article type: Scientific Article</p> <hr/> <p>Received: 2024/05/16</p> <p>Received in revised form: 2024/08/06</p> <p>Accepted: 2024/09/08</p> <hr/> <p>Keywords: <i>Mistake in the person, bad faith, transferable bad faith, intention, knowledge, nten-tion, crimes against the spir-itual integrity of persons.</i></p>	<p>In the criminal law of Iran, in the topic of "crimes" in paragraph (c) of Article 292 of the Islamic Penal Code approved in 1392, the mistake in person has been examined as an effective factor on the psychological element of the crime. In common law, there is also a mistake in the person in the topic of murder, and according to the view that "the target follows the bullet", they believe that this mistake has no effect on the intentionality of the crime committed on the victim of the unintentional crime. The question that is raised is that in Iranian law, is this mistake only limited to crimes against physical integrity or is it effective for other crimes, especially crimes against spiritual integrity? The findings of the research indicate that, contrary to the theory of transferred malice in common law, in Iranian law, a mistake in a person is effective in forming the absolute malice of intentional crimes as a kind of mistake in the subject of the victim (that is, a certain person). In such a way that the effect of the intended behavior on the unintended purpose, in principle, in terms of the lack of the subject's intention, causes the deterioration of the intentional psychological element. Except that in case of lack of intention, knowledge is a substitute for definite and certain intention. As a result, in crimes against the spiritual integrity of persons, according to Article 144 of the Islamic Penal Code approved in 2012, two assumptions can be considered; First, the fact that the perpetrator unintentionally made the unintended crime victim the subject of crimes against dignity or spiritual personality and also had no knowledge of the behavior. (Lack of intention and knowledge) Second, despite the lack of intention, the perpetrator knew or should have known that his behavior leading to a crime against the spiritual personality of the victim is unintentional. It is innocent, and it has no effect on the second hypothesis in terms of verifying the scientific, criminal and wrong element of psychology.</p>
<p>How To Cite</p>	<p>Amiri, Milad; Yakuti, Ibrahim; Masoudi Maqam, Asadullah; Omi, Ahmed (2024). Prevention of information exchange network security violations in the light of Article 32 of the EU General Data Protection Regulation. <i>Journal of Judgment</i>, 115(3), 32-48. http://doi.org/10.22034/judg.2024.2029402.1303</p>
<p>DOI</p>	<p>10.22034/JUDG.2024.2029402.1303</p>
<p>Publisher</p>	<p>Publications of the Judiciary of Tehran Province </p>

اشتباه در شخص در جرایم علیه تمامیت معنوی اشخاص با رویکردی به نظریه شر انتقال یافته

میلاذ امیری^۱ | ابراهیم یاقوتی^۲ | اسدالله مسعودی مقام^۳ | احمد امی^۴

۱. قاضی دادگستری، دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد سمنان، سمنان، ایران. رایانامه: milad.amiri.m@gmail.com
۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. رایانامه: Yaghouti2010@yahoo.com
۳. قاضی دیوان عالی کشور، استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران. asadulah.masoudimagham2022@gmail.com
۴. استادیار گروه حقوق، عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران. ahmad.ommi@yahoo.com

چکیده

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: علمی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۲/۲۷

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۳/۰۵/۱۶

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۶/۱۸

کلیدواژه:

مالکیت فکری، اجرای مؤثر حقوق مالکیت فکری، تخصص گرای قضایی، مراجع قضایی، دادگاه‌های ویژه مالکیت فکری.

اشتباه در شخص در حقوق کیفری ایران در مبحث «جنایات» در بند ب ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، به‌عنوان عامل مؤثر بر رکن روانی جرم مورد بررسی قرار گرفته است. در حقوق کامن‌لا نیز اشتباه در شخص در مبحث قتل مطرح شده و طبق این دیدگاه که «هدف به دنبال گلوله است»، اعتقاد بر این است که این اشتباه تأثیری بر عملی بودن بزه واقع شده بر جرم دیده نامقصود ندارد. پرسشی که مطرح می‌شود این است که در حقوق ایران، آیا این اشتباه صرفاً به جرائم علیه تمامیت جسمانی اختصاص دارد یا درخصوص سایر جرائم خصوصاً جرائم علیه تمامیت معنوی، مؤثر است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از این است که برخلاف نظریه شر انتقال یافته در حقوق کامن‌لا، در حقوق ایران، اشتباه در شخص در تشکیل سوءنیت مطلق جرائم عملی به‌عنوان نوعی اشتباه در موضوع بزه (یعنی انسان معین) مؤثر است به نحوی که تأثیر رفتار مقصود بر هدف نامقصود، اصولاً به لحاظ فقدان قصد موضوع، موجب زوال عنصر روانی عملی می‌گردد، مگر اینکه در صورت فقدان قصد، علم به عنوان جایگزین قصد محرز و مسلم باشد. نتیجتاً در جرائم علیه تمامیت معنوی اشخاص، با عنایت به ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ می‌توان دو فرض را در نظر گرفت؛ نخست اینکه مرتکب بدون قصد، جرم دیده نامقصود را مخاطب جرائم علیه کرامت یا شخصیت معنوی قرار داده و نیز علم به موضوع رفتار نداشته است (عدم قصد و علم). دوم، مرتکب با وجود فقدان قصد، می‌دانسته یا باید می‌دانسته رفتار وی منتهی به جرم علیه شخصیت معنوی بزه دیده نامقصود می‌گردد (عدم قصد و وجود علم). در فرض اول، به لحاظ فقدان عنصر روانی، بری است و در فرض دوم به لحاظ احراز عنصر روانی علمی، مجرم است و اشتباه تأثیری ندارد. این مقاله به شیوه توصیفی تحلیلی به بررسی موضوع می‌پردازد.

امیری، میلاذ؛ یاقوتی، ابراهیم؛ مسعودی مقام، اسدالله؛ امی، احمد (۱۴۰۳). اشتباه در شخص در جرایم علیه تمامیت معنوی اشخاص با رویکردی به نظریه شر انتقال یافته، فصلنامه قضاوت، ۱۵ (۳)، ۳۲-۴۸. <http://doi.org/10.22034/judg.2024.2029402.1303>

[10.22034/JUDG.2024.2029402.1303](https://doi.org/10.22034/JUDG.2024.2029402.1303)

استناد

DOI

ناشر

انتشارات دادگستری کل استان تهران



مقدمه

جرم رفتار متفکرانه خلاف قانون است. در حکومت قانون با هدف اجرای عدالت، تنها رفتار ارادی توأم با قصد افراد قابل جرم‌انگاری و کیفرگذاری است و رفتار خطایی افراد تنها در شرایط خاص جرم‌انگاری می‌شود (حبیب‌زاده، ۱۴۰۲، ص ۶۰۸). لذا عنصر روانی یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم حقوق کیفری مدرن است (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۸۳). این رکن نمایانگر بشره درونی انسان و علت اصلی تحمل کیفر است. اهمیت رکن مزبور به اندازه‌ای است که حسین آقایی نیا بیان می‌دارد که عنصر روانی بحر بیکرانی است که برای رسیدن به آن، به کشتی‌بان عالم و مجرب نیاز است (موسوی خوشدل، ۱۳۹۰، ص ۱۰). بنابراین فعل یا ترک فعل در حقوق جزا زمانی به مرتکب قابل انتساب است که از فعل و انفعالات ذهنی او نشأت گرفته باشد، به طوری که جرم نتیجه خواست مجرم و یا خطای جزائی او باشد و هرگاه ثابت شود بین مرتکب و رفتار او هیچ رابطه نفسانی وجود ندارد، هیچ‌گاه نمی‌توان از اعمال مجازات یا هر اقدام سرزنش‌آمیز دیگر بر او سخن راند (محمدخانی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۴). بدین جهت افراد به انگیزه‌های گوناگون قصد ارتکاب جرم را در ذهن خود پرورانده و در جهت تحقق هدف اندیشیده، گام برمی‌دارند. گاه رفتار اتخاذ شده به هدف مورد نظر اصابت می‌کند و منتهی به نتیجه مقصود می‌شود و گاه رفتار اتخاذ شده منحرف می‌شود و به هدف غیر مورد نظر اصابت می‌کند و منتهی به نتیجه نامقصود می‌شود. در حالت اخیر، در حقوق کامن‌لا از جمله در کشور انگلستان، قتل واقع شده بر اساس یک تئوری که از قرن شانزدهم میلادی مرسوم بوده، عمدی محسوب می‌شود (Husak, 1996, p65).

در کشور انگلستان با استفاده از نظریه موسوم به شر یا سوءنیت انتقال یافته، کسی را که قصد کشتن الف را دارد ولی تیر وی به ب اصابت می‌کند یا قصد تخریب مالی را دارد ولی مال دیگری را می‌شکند، همچنان به قتل عمدی یا تخریب کیفری محکوم می‌کنند (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۶۱). با این حال، در حقوق ایران نظریه شر انتقال یافته قابل تسری نیست،^۱ زیرا طبق قاعده فقهی «مَا قُصِدَ لَمْ يَفْعَ وَمَا وَقَعَ لَمْ يُقْصَد»، در صورتی که رفتار واقع شده با خواست و قصد مرتکب تقارن نداشته باشد، جرم واقع شده عمدی محسوب نمی‌گردد. این قاعده فقهی در ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تبلور یافته و در قوانین مجازات پیش و پس از انقلاب، با وجود

۱. نشست قضایی استان مازندران - شهر رامسر به شماره ۸۰۸۴-۱۴۰۰ به تاریخ ۱۳۹۹/۸/۱: نظر هیأت عالی: «قتل ناشی از اشتباه هویت مقتول یا قتل ناشی از اشتباه در مصداق را از مصادیق قتل عمدی و قتل ناشی از اشتباه در هدف‌گیری غیرعمدی تلقی است.» با این حال اگر اشتباه در هدف در خصوص جسم شخص معین باشد، این نوع اشتباه عمدی محسوب می‌شود (اشتباه در موضع اصابت شخص واحد). دادنامه شماره ۹۱۰۹۹۷۰۹۰۷۳۰۰۶۲۶ در تاریخ ۱۳۹۱/۱۰/۳۰ شعبه ۱۳ دیوان عالی کشور مؤید آن است. (www.ara.jri.ac.ir/Judge/Text) (۱۶۲۱) در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ این نوع اشتباهات با شرایطی در شمار «جنایت نظیر» و عمدی محسوب می‌شود.

ضروری دانستن عنصر روانی، مقررهای بدین شکل به آن اختصاص نیافته بود (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۸۳). مع‌هذا عنصر روانی^۱ جرائم عمدی متشکل از ارکان قصد رفتار یا علم به رفتار، علم به موضوع یا قصد موضوع^۲ و قصد نتیجه یا علم به تحقق نتیجه است. باید دقت نمود که موضوع تئوری شر انتقال یافته صرفاً قصد است و علم از آن خروج دارد؛ موضوعی که در حقوق ایران پذیرفته شده و علم می‌تواند جایگزین قصد گردد. به سخن دیگر، گاه مقصود مرتکب واقع نمی‌گردد، لکن علم به تحقق نتیجه نامقصود دارد. در این صورت با وجود عدم تعلق قصد به رفتار یا نتیجه، علم مرتکب، رفتار یا نتیجه را در حوزه عمد قرار می‌دهد؛ موضوعی که مقنن در خصوص قتل در تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به صورت موردی در خصوص این نوع جنایت، تصریح نموده است. لکن با دقت در ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، علم موصوف در خصوص تمامی جرائم قابل احراز و اثبات است. برخی از محققان این پدیده قانونی در ایران را ملحق به نظریه شر انتقال یافته می‌دانند (قورچی بیگی، نقیبی، ۱۳۹۴، ص ۱). بنابراین نه تنها در جرائم علیه تمامیت حیات، تمامیت جسمانی و جرائم علیه اموال، بلکه در جرائم علیه تمامیت معنوی نیز مانند سایر جرایم، امکان تحقق اشتباه در هدف یا شخص امکان‌پذیر است. این اشتباه که به نظر نگارندگان، قسمی از اشتباه در موضوع جرم است، زائل‌کننده عنصر روانی جرم محسوب می‌شود. با این حال در صورتی که مرتکب با وجود اشتباه در هدف یا شخص، علم به اصابت رفتار نسبت به هدف نامقصود داشته باشد، کماکان جرم ناشی از اشتباه در هدف عمدی تلقی می‌شود،^۳ مانند پرتاب آب دهان برای فردی خاص و برخورد آن به دیگری که دلالت بر تحقق جرم توهین دارد (محمدخانی، ۱۳۹۹، ص ۲۳). در واقع در بزه توهین عملی غیر اصابتی (موضوع ماده ۶۰۸ کتاب تعزیرات) یا بزه توهین عملی اصابتی (موضوع ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی) در صورتی که فاعل قصد توهین و اهانت به الف را داشته باشد و در نهایت به ب توهین شود، رفتار ارتكابی نسبت به الف و ب مشمول توهین کیفری نمی‌شود، مگر اینکه مرتکب می‌دانسته است که هدف نامقصود، هدف رفتار وی قرار می‌گیرد که در این صورت خطای در اصابت منتفی است. به عبارت دیگر، «دانستن» جایگزین «خواستن» می‌شود و رفتار فاعل جرم عمدی محسوب می‌گردد.

۱. عنصر روانی یا عنصر معنوی رابطه روانی است که بین مجرم و اعمال ارتكابی وی وجود دارد (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۸۲). از نظر یکی از حقوقدانان، عنصر روانی رابطه‌ای است که مادیات جرم را به شخصیت بزهکار پیوند می‌دهد (نجیب حسینی، ۱۳۹۶، ص ۱۴).

۲. موضوع جرائم علیه اشخاص انسان است و بر اساس نظر برخی از حقوقدانان، در عنصر روانی جرائم عمدی، قصد و خواست مرتکب باید به هدفی معین و معلوم متمایل گردد (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۲۸۴ و نوربها، ۱۳۸۷، ص ۱۷۵). این دیدگاه در مواردی که مرتکب قصد مطلق ارتكاب جرم ندارد، مقرون به صحت است.

۳. در این فرض حکم نظریه شر انتقال یافته با حقوق ایران یکسان است.

در پرونده‌ای الف قصد توهین پیامکی به ب را داشته، لکن یکی از اعداد شماره همراه وی را اشتباه ثبت نموده و پیامک برای ج ارسال می‌گردد. در این فرض رفتار مرتکب مطلقاً نسبت به ج جرم محسوب نمی‌شود، هر چند عنصر مادی توهین واقع شده است. باید دقت نمود با وجود عدم امکان قانونی وفق ماده ۱۲۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، رفتار الف نسبت به ب نیز شروع به جرم محسوب نمی‌شود، چون اساساً زمینه‌ای برای ارتکاب جرم علیه ب فراهم نبوده است. مع‌هذا جهت تدقیق در موضوع، بدو^۴ به بررسی نظریه شر انتقال یافته در حقوق کامن‌لا می‌پردازیم و سپس به بررسی انواع اشتباه و گونه‌شناسی جرائم علیه تمامیت معنوی در مواجهه با اشتباه در شخص خواهیم پرداخت.

۱. نظریه شر انتقال یافته

نظریه شر انتقال یافته در ادبیات حقوقی نظام کامن‌لا تحت عناوین «قصد منتقل شده»^۱ یا «سوءنیت منتقل شده»^۲ شناخته می‌شود که مورد اخیر در حقوق انگلستان رایج‌تر است (Sitnik, 2016, p.115). جایگاه این نظریه در مورد خطای مرتکب در اصابت یا هدف‌گیری است. برخی این اصابت تصادفی را تحت عنوان هدف بد^۳ نام‌گذاری کرده‌اند.^۴ باید اذعان داشت که قصد انتقالی محصول نظام حقوقی کامن‌لا است و از این نظام حقوقی به سایر نظام‌های حقوقی احاله یافته است (kutner, 2016, p.3).

بر اساس فرهنگ لغات حقوقی بلک، سوءنیت منتقل شده به این معنی است که سوءنیت به یک شخص معطوف می‌شود، اما در عوض به‌گونه‌ای که برای شخص اول در نظر گرفته شده است، به دیگری آسیب می‌رساند. باید تأکید کرد که نظریه نیت انتقال یافته تنها ناظر به جرائم هم‌تا و غیرمختلف است و در مورد جرائم مختلف اعمال نمی‌شود (Ashworth, 2006, p.199).

از نظر یکی از حقوقدانان ایران، در حقوق انگلستان برای عمدی محسوب کردن موارد خطای در هدف‌گیری، مجبور به ابداع نظریه یاد شده بوده‌اند. ایشان تصریح می‌کنند که مسلماً بدون پذیرش این نظریه، عمدی محسوب کردن نتیجه واقع شده در نتیجه خطای در شخص مشکل بود (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۱، ص ۱۳۹).

برخی حقوقدانان در موضوع جنایات معتقدند که انگلستان و آمریکا کشورهایی هستند که قتل واقع شده در نتیجه اشتباه در هدف را عمدی می‌دانند، ولی با استدلال‌هایی که نشان می‌دهند، از

1. Transferred Intent
2. Transferred Malice
3. Bad aim

۴. پیتر وستن بر این اعتقاد است که اصطلاح «هدف بد» را وین لا فاو در سال ۲۰۰۳ میلادی ابداع کرده است.

نظر آنها قتل واقع شده ماهیتاً عمدی نیست (محمدخانی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۳۶). به عبارت دیگر، استفاده از نظریه مزبور و خصوصاً تأکید آن بر انتقال قصد از فرد مورد نظر به مجنی علیه، نشان می‌دهد که حقوقدانان این کشورها نیز در عمدی محسوب کردن این قتل دچار مشکل شده و با نظریه مذکور در پی توجیه آن برآمده‌اند، زیرا اگر قتل یا صدمات ناشی از اشتباه در هدف ماهیتاً عمدی بود، نیازی به استفاده از دکترین مزبور و انتقال قصد نبود و به همین دلیل، حقوقدانان انگلیسی در مورد اشتباه در «هویت یا شخصیت»، بدون نیاز به استفاده از دکترین نیت انتقال یافته، جرم واقع شده را عمدی می‌دانند (Allen, 2019, pp.85-86). با این حال برخی از محققان اذعان داشته‌اند که نظریه موصوف برای تبیین وضعیت طراحی شده است که در آن، مرتکب صدمه‌ای به شخصی غیر از کسی که مدنظرش بوده وارد کرده است، خواه در اثر خطای در هدف و خواه در اثر خطای در هویت (فورچی بیگی، نقیبی، ۱۳۹۴، ص ۳). مع‌هذا تا آنجا که نگارندگان تتبع نموده‌اند، اکثر مفسران انگلیسی با توسل به نظریه شر انتقال یافته، جنایت یا رفتار مجرمانه ناشی از اشتباه در هدف یا شخص را عمدی می‌دانند و بیشتر اختلاف نظر آنها در مبنای عمدی بودن است؛^۱ دیدگاهی که بر اساس مبنای فقهی و قانونی در حقوق ایران (علی الاصول) پذیرفته نشده است، مگر اینکه مرتکب با وجود خطای مادی رخ داده و عدم تقارن قصد اولیه و با رفتار، علم به جرم داشته باشد. در مبحث بعدی به این تفاوت خواهیم پرداخت.

۱-۱. قابلیت یا عدم قابلیت تسری نظریه شر انتقال یافته به حقوق ایران

در حقوق کیفری ایران، سوءنیت در جرائم عمدی منوط به احراز و اثبات ۱. علم به موضوع؛ ۲. قصد رفتار؛ ۳. قصد نتیجه در جرائم مقید است. نکته حائز اهمیت این است که هر چند مقنن در ماده ۱۴۴ از جایگزینی علم و قصد نامی نبرده، ولی بر اساس منطق علمی و دیدگاه حقوقدانان، در ماده مزبور علم می‌تواند جایگزین قصد و قصد می‌تواند جایگزین علم شود^۲ (میرمحمد صادقی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۱۵۸). از نظر ایشان، جایگزینی علم و قصد بجای یکدیگر، در دیگر اجزا نیز رخ می‌دهد. در واقع «بخواهد» می‌تواند جایگزین «بداند» شود و «بداند» نیز می‌تواند جایگزین «بخواهد» شود. این جایگزینی طبق فراز پایانی ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی به نتیجه تعلق ندارد، بلکه در قصد رفتار و قصد موضوع نیز همین حکم جاری خواهد بود (محمدخانی، ۱۳۹۵، ج ۱، ص ۱۱۶). توجه قانون ایران به مقوله جایگزینی حائز اهمیت است، زیرا در حقوق انگلستان، موضوع

1. See, (Bohlander 2010a: 555); (Crocker 1994: 80-81); (Dressler 2005: 132-136); (Horder 2006: 383); (LaFave 2003: 338-342); (Moore 1997: 474-476); (Simester and Sullivan 2003: 159-165); (Smith and Hogan 1988: 73-75); (Williams 1961: 126-139).

۲. در این خصوص می‌توان به بند ب ماده ۲۹۰ و تبصره ماده ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مراجعه کرد.

نظریه شر انتقال یافته صرفاً قصد است (انتقال قصد)، در حالی که در حقوق ایران نه تنها انتقال قصد پذیرفته نیست، بلکه عمدی بودن جرم ناشی از اشتباه در هدف، صرفاً بر اساس تئوری «شر علمی» پذیرفته شده است. به سخن دیگر، عمدی بودن جرم و جنایت ناشی از اشتباه در هدف در حقوق انگلستان انتقال قصد و در حقوق ایران جایگزینی علم در عوض قصد است. بنابراین نظریه شر انتقال یافته در حقوق ایران تسری نیافته، ولی مبنای حکم استنتاج شده از این نتیجه در حقوق ایران صرفاً در صورت احراز علم است. بنابراین وفق ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، قاضی مکلف است در صورت عدم احراز قصد، علم را بررسی نماید و در صورت فقدان علم، با عنایت به فقدان قصد و علم، رفتار ارتكابی و نتیجه ناشی از آن را غیر عمدی یا فاقد وصف جزایی محسوب کند. لهدا مقنن اولین مرتبه^۱ بعد از حدود یک قرن قانونگذاری در حوزه حقوق کیفری، در جهت توسعه عنصر روانی جرائم عمدی، اقدام به پیش‌بینی رکن جدیدی کرد که نتیجه آن ایراد شورای نگهبان به پیش‌نویس قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ بوده است.^۲ این رکن جدید رکن علم است که در ماده ۱۴۴ ق.م.ا هم‌عرض قصد مجرمانه در احراز جرائم عمدی، نقش آفرینی می‌کند. باید ادعان داشت که این تعبیر در مورد علم به وقوع نتیجه از سیستم کامن‌لا^۳ و منابع فقهی^۴ اقتباس شده (یکرنگی، عالی‌پور، ۱۳۹۴، ص ۱۵۷)، ولی همان‌گونه که ذکر شد، این علم تنها به نتیجه تعلق ندارد و به موضوع و رفتار نیز تسری دارد. این تعبیر در حقوق انگلستان، قصد تبعی یا قصد غیر مستقیم خوانده می‌شود.^۵

۱. برخی از حقوق دانان به سابقه وجود این علم در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ و... استناد می‌نمایند، درحالی‌که این ارجاع صحیح نیست، زیرا مطابق با قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قتل ناشی از رفتار نوعاً کشنده، به علم به کشنده بودن رفتار مشروط شده که این علم همان علم به نتیجه مجرمانه مقرر در فراز پایانی ماده ۱۴۴ ق.م.ا است، لکن در قوانین سابق، رفتار نوعاً کشنده مشروط به علم مرتکب به کشنده بودن رفتار نبوده و حتی در حالت فقدان علم نیز عامل در شمول قتل عمدی قرار می‌گرفت. بند ب ماده ۲۰۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰: «مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هر چند قصد کشتن نداشته باشد.» بند ب ماده ۲ قانون حدود و قصاص ۱۳۶۱: «مواردی که قاتل عمداً کاری را انجام دهد که نوعاً کشنده باشد هر چند قصد کشتن نداشته باشد.» همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، صرف احراز رفتار نوعاً کشنده جهت عمدی بودن قتل کفایت می‌کرد اعم از اینکه مرتکب به نوعاً کشنده بودن رفتار عالم بود یا جاهل.

۲. مصوبه نخست مجلس (به تاریخ ۱۳۸۸/۵/۲۷): در تحقق جرایم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم، قصد او در ارتکاب رفتار مجرمانه نیز باید احراز گردد. «ایراد شورای نگهبان (به تاریخ ۱۳۸۸/۱۰/۲۹): «از این نظر که قصد در رفتار مجرمانه، نتایج را در صورت علم خارج می‌کند یا نه ابهام دارد.»

۳. رجوع کنید به بندهای ۱ و ۲ ماده ۱۴۹ قانون جزای انگلستان مصوب ۱۹۸۳.

۴. رجوع کنید به حلبی، ۱۴۰۳، ص ۳۸۲؛ نجفی، ۱۳۶۷، ص ۱۲ و منتظری، ۱۴۱۳، ص ۵۶۳.

۵. از نظر فقهی نیز به این رکن قصد تبعی اطلاق می‌گردد (خوئی، ۱۳۹۶، صص ۳-۴ و فاضل لنکرانی، ۱۴۲۷، ص ۱۸).

۲. اشتباه

اشتباه در لغت یعنی چیزی را شبیه چیز دیگری تصور کردن، یکی را بجای یکی دیگری گرفتن یا کاری به غلط انجام دادن (پوربافرانی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۰). به عبارت دیگر، اشتباه یعنی تصور خلاف واقع انسان از واقع، چندان که امر موهومی را موجود و یا موجودی را موهوم بیندارد (اردبیلی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۸۴).

۱-۲. انواع اشتباه

در حقوق کیفری غالباً دو نوع اشتباه یا جهل مورد توجه می‌باشد:

۱. اشتباه حکمی که زیر مجموعه مسئولیت کیفری مورد بحث قرار می‌گیرد.
۲. اشتباه موضوعی که زیر مجموعه عنصر روانی جرائم تحلیل می‌شود.

۱-۱-۲. اشتباه در حکم

غالباً گفته می‌شود که اشتباه حکمی نمی‌تواند عذری برای مرتکب محسوب گردد. این زمانی رخ می‌دهد که فردی نسبت به غیرقانونی بودن رفتارش یا آثار، مفهوم و دامنه یک حکم قانونی ناآگاه باشد (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۲۴۰). در ادبیات حقوقی ما اشتباه مترادف با جهل تلقی می‌شود. جهل نیز به معنی نبود آگاهی و علم است (ندانستن). این ندانستن و ناآگاهی در قسم حکمی به حالتی تلقی می‌شود که شخص تصور درست بودن و قانونی بودن رفتار خود را دارد و بر غیرقانونی بودن یا جرم بودن رفتار خود علم ندارد؛ مثلاً نمی‌داند برابر ماده ۷۲۰ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، تغییر در ارقام پلاک خودرو جرم است و تصور می‌کند که جرم نیست یا دست‌کم نوعی تخلف راهنمایی و رانندگی است.

بر اساس ماده ۲ قانون مدنی، جهل به قانون مدنی و طبق ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی، جهل به قانون کیفری رافع مسئولیت کیفری نیست جز در موارد موضوع ماده ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی. به نظر نگارندگان، جهل به حکم مدنی که موضوع قانون کیفری قرار گرفته، جهل حکمی محسوب نمی‌شود، بلکه جهل موضوعی است. در ماده ۱۵۵ قانون مجازات اسلامی در خصوص جهل به قانون موضوعه دو استثنا ذکر شده است:

۱. عادتاً تحصیل علم ممکن نباشد.
۲. عذر محسوب شدن جهل به حکم شرع (در مواقع جهل به حرمت شرعی بزه که در ماده ۲۱۷ بدان تصریح شده است).

چون موضوع مقاله بیشتر حول بحث جهل موضوعی است، از تدقیق بیشتر در جهل حکمی

پرهیز می‌گردد؛ مع‌هذا تأکید می‌شود که جهل به حکم در موارد معذور، جزء علل رافع مسئولیت کیفری است.

۲-۱-۲. اشتباه در موضوع

با تدقیق در ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و امعان نظر به اینکه هر جرمی واجد یک موضوعی است (مانند قتل که موضوع آن انسان زنده است)، باید بدان علم و آگاهی وجود داشته باشد تا ساختار رکن روانی جرائم یا جنایات عمدی تشکیل شود. لذا در اشتباه موضوعی اساساً رکن روانی جرم عمدی زائل می‌شود و مجرمیتی به وجود نمی‌آید؛ هر چند که این اشتباه در جرائم غیر عمدی اصولاً بی‌تأثیر است (آقایی جنت‌مکان، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۵۵). اشتباه موضوعی عبارت است از اینکه فرد با وجود اینکه حکم قانونی و شرعی قضیه را می‌داند، اما در تشخیص موضوع آن اشتباه می‌کند (پوربافرانی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۶). در حقوق انگلستان مانند حقوق ایران، قاعده‌ای تحت عنوان «اشتباه موضوعی عذر محسوب می‌شود» مطرح است که موجب تبرئه شدن متهم از اتهام می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص ۲۳۸). بنابراین علم به موضوع - اعم از علم تفصیلی و علم اجمالی - وفق مواد ۱۴۴ و ۲۱۷ قانون مجازات اسلامی شرط تحقق جرم - اعم از جرائم عمدی و غیر عمدی - است. اگر مرتکب علم به موضوع نداشته باشد و در تحصیل علم نیز تقصیر و کوتاهی نکرده باشد، مسئولیت ندارد (عابدی، ۱۴۰۰، ص ۲۰۶). در واقع جهل مرتکب به موضوع حسب مورد ممکن است موجب عدم تحقق قصد مجرمانه و عنصر معنوی جرم و یا تغییر وصف مجرمانه و عنوان کیفری شود (فتحی، ۱۴۰۲، ص ۱۳۷). با این حال برخی حقوقدانان جهل موضوعی را از علل رافع مسئولیت کیفری قلمداد کرده‌اند (زراعت: ۱۳۹۲، ج ۱، ص ۲۴۷). برخی حقوقدانان نیز علم به موضوع را جزئی از قصد مجرمانه تلقی کرده‌اند (سالاری شهربابکی، ۱۴۰۰، ج ۲، ص ۲۰۲). دیدگاه اخیر قابل پذیرش است، زیرا اگر شخص نسبت به موضوع جهل داشته باشد، اساساً قصد مجرمانه تحقق پیدا نمی‌کند؛ به این بیان که در حالت جهل و اشتباه موضوعی به علت تلقی اشتباه از امر خارجی، طلب و خواست و اراده نسبت به امری تحقق می‌یابد که بر اساس نظر فاعل عمل اساساً مباح و یا حتی مرجح است (الهام، برهانی، ۱۴۰۰، ج ۱، ص ۲۰۰). لذا با فقدان علم به موضوع، قصد مجرمانه (قصد رفتار، قصد موضوع و قصد نتیجه) و عنصر روانی جرم زائل می‌گردد. بنابراین ملاحظه می‌شود که مقنن در بند ب ماده ۲۹۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جهل موضوعی قاتل را از جهات شبه‌عمد بودن یا به عبارت دقیق فقهی، در حکم شبه‌عمد بودن قتل قلمداد کرده است. البته باید خاطر نشان ساخت که اشتباه موضوعی مندرج در این بند دلالت بر اشتباه در هدف ندارد، بلکه بر اشتباه در هویت دلالت دارد. در واقع مرتکب به آن هدفی که

می خواسته است، صدمه وارد آورده (خطای شخصیتی). مع هذا اشتباه موضوعی به دو نوع اشتباه در «شخص» و «شخصیت» تقسیم می شود که در ادامه آنها را بررسی می کنیم.

۲-۱-۲-۱. اشتباه در شخصیت

غالب حقوقدانان مبحث اشتباه در شخصیت یا هویت را در قتل بررسی کرده اند، لکن نگارندگان معتقدند این نوع اشتباه منحصر به قتل نیست و در تمامی جرائمی که مرتکب مدعی اشتباه در شخصیت باشد - مانند جرائم علیه کرامت اشخاص - قابل تصور است. مثلاً الف قصد اهانته به ب را داشته و بعداً متوجه می شود ج بوده است. در این نوع اشتباه فاعل در هویت شناسنامه ای قربانی اشتباه می کند. بدیهی است چنین اشتباهی در جرائم تعزیری و موجب حد مانع تحقق جرم نیست (پوربافرانی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۷). مثلاً شخصی با تصور اینکه مالی را که قصد سرقت آن را دارد متعلق به الف است، سرقت می نماید، در حالی که مال ربوده شده متعلق به ب بوده است. در ساختار عنصر روانی جرائم عمدی صرفاً علم به «موضوع» شرط است نه علم به «اوصاف موضوع»، مگر در مواردی که مقنن شرط بدانند. بنابراین اشتباه در مصداق (یا شخصیت) وصف عمل مجرمانه را تغییر نمی دهد (اردبیلی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۹۱). باید تأکید کرد که اشتباه در هویت ضرری به نیت مجرمانه نخواهد زد، زیرا به عنوان یک قاعده کلی، جهل یا اشتباه در جایی عنصر روانی را از بین می برد که علم به آن لازم و ضروری باشد و اگر آگاهی از امری لازم نباشد، جهل یا اشتباه در آن نیز عنصر روانی را منتفی نمی سازد (محمدخانی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۲۴). در این نوع اشتباه فرد در «ذهن» خود دچار اشتباه و خطا می شود (خطای ذهنی یا روانی در اصابت برخلاف اشتباه در هدف یا شخص که فرد در «عمل» مرتکب خطا می شود - خطای مادی یا خطای در اصابت -) (پوربافرانی، ۱۴۰۱، ص ۱۳۴). برخی حقوقدانان اشتباه در هویت را اشتباه در موضوع سوءنیت خاص تلقی کرده اند و معتقدند این اشتباه تأثیری بر مسئولیت کیفری مرتکب ندارد، زیرا در سوءنیت عام مرتکب اشتباه نشده است. اما اگر مرتکب علاوه بر موضوع سوءنیت خاص، در سوءنیت عام نیز مرتکب اشتباه شود، اساساً فاقد سوءنیت تلقی می شود (حبیب زاده، ۱۴۰۲، صص ۶۲۸ و ۶۲۹).

۲-۱-۲-۲. اشتباه در شخص

یکی از مصادیق اشتباه موضوعی اشتباه در شخص یا هدف یا اصابت است (آقایی جنت مکان، ۱۳۹۳، ج ۲، ص ۱۵۷)؛ یعنی اینکه بر اثر عواملی مثل خطا در هدف گیری، وزش باد ملایم یا جاخالی دادن شخص مورد نظر یا نداشتن مهارت و تخصص، رفتار شخص بجای آنکه به شخص یا حیوان یا شیء مورد هدف برخورد کند، به شخص دیگری برخورد نماید (میرمحمدصادقی،

۱۴۰۱، ج ۲، ص ۲۳۹). به سخن دیگر، اشتباه در هدف‌گیری یعنی ناکام ماندن جرمی که مقصود مرتکب بوده و وقوع جرم دیگر به علت اشتباه مرتکب (اردبیلی، ۱۳۹۲، ج ۲، ص ۱۹۲). تعبیر دقیق‌تر حالتی است که فردی قصد ارتکاب رفتار بر «موضوعی خاص» را دارد، اما رفتار بر «موضوعی دیگری» وارد می‌آید اعم از آنکه رفتار مرتکب بر موضوع مقصود نیز برخورد بکند یا نکند و اعم از اینکه دو موضوع مزبور مربوط به یک جرم یا جرائم متفاوتی باشد (محمدخانی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۱۸). اینکه در صورت اشتباه در شخص (یعنی در هدف‌گیری) عمل مرتکب را با استفاده از قواعد کلی نمی‌توان عمدی محسوب کرد، باعث شده است که در حقوق انگلستان برای جلوگیری از فرار مرتکبان از مسئولیت و بنا به ملاحظات و مصلحت‌های اجتماعی، از «نظریه سوءنیت یا شر انتقال یافته» استفاده کنند (میرمحمدصادقی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۳۳۷). این نوع اشتباه - برخلاف اشتباه در شخصیت - نوعی اشتباه موضوعی و مؤثر در عنصر روانی است (پوربافرانی، ۱۳۹۷، ص ۱۴۸)، زیرا فاعل برخلاف شخص منظور، نسبت به شخص قربانی قصد رفتار را نداشته است. همین که مرتکب قصد انجام رفتار را نداشته، برای خروج رفتار از عمد کافی است و نیازی به بررسی قصد نتیجه در جرائم مقید نیست. به عبارت دیگر، فقدان قصد فعل قطعاً فقدان قصد نتیجه را به همراه دارد. نکته حائز اهمیت احراز یا عدم احراز قصد رفتار به تنهایی نیست، بلکه قصد رفتار نسبت به قربانی (شخص نامنظور) است. به تعبیر یکی از حقوق‌دانان، قصد انجام رفتار روی معنی علیه باید وجود داشته باشد، در حالی که در تمامی مصادیق خطای در اصابت، فاعل قصد فعل بر روی قربانی را نداشته و شاید او را هم نمی‌دیده است (پوربافرانی، ۱۴۰۱، ص ۱۳۲). در پایان باید اشاره کرد که بحث اصلی خطای در هدف امروزه بیشتر بین دو شخص یا انسان مطرح می‌شود.

۳. جرائم علیه تمامیت معنوی اشخاص

بحث اشتباه در هدف که به دلیل غلبه و نیز خاستگاه آن، منصرف به قتل و صدمات جسمانی شده است، منحصر در آنها نیست و در جرائم دیگر نیز نیازمند بررسی است؛ مانند آنکه فردی به قصد توهین به دیگری، آب دهان خود را به سمت او پرتاب کند، اما به فرد کنار او (یا هر دو) اصابت نماید (محمدخانی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۱۹). جرائم علیه تمامیت معنوی افراد که برخی از محققان عنوان جرائم علیه شأن و کرامت انسان را برای آنها برگزیده‌اند (احمدزاده، ۱۴۰۲، ص ۱۳؛ محمدخانی، ۱۳۹۹، ص ۴)، عبارتند از جرائمی که رفتار مرتکب اعتبار و حیثیت قربانی را هدف قرار داده و منجر به صدمه روحی و حیثیتی به دیگری می‌شود (الهی‌منش، مرادی اوجقاز، ۱۳۹۶، ص ۲۳). جرائمی چون توهین، تهدید، افترا، نشر اکاذیب و... مصداق بارز این‌گونه جرائم است.

۱-۳. گونه‌شناسی مهم‌ترین جرائم علیه تمامیت معنوی با رویکردی به اشتباه در هدف

در این پژوهش مهم‌ترین جرائم تعزیری علیه تمامیت معنوی اشخاص یعنی توهین، تهدید و افترا با رویکردی به اشتباه در هدف یا شخص مورد بررسی قرار می‌گیرد. بدیهی است که محور اصلی بحث عنصر روانی این جرائم است، زیرا همان‌گونه که در مطالب پیش‌گفته تصریح شد، اشتباه در شخص عنصر روانی را زائل می‌نماید، مگر اینکه مرتکب علم به وقوع رفتار داشته باشد.

۱-۱-۳. توهین

توهین رفتار فیزیکی لازم برای تحقق جرم است و هر رفتار وهن‌آمیزی می‌تواند عنصر سازنده جرم توهین باشد (احمدزاده، ۱۴۰۲، ص ۱۶). برای تحقق جرم مزبور علاوه بر رفتار فیزیکی، مجموعه‌ای از شرایط لازم است که مهم‌ترین شرط آن وجود «مخاطب معین» در بزه توهین است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ص ۴۸۶). طرفداران نظریه شر انتقال یافته معتقدند تعین و خاص بودن قربانی شرط نیست، همین که مرتکب قصد اهانت به یک انسان محترم را داشته و در عمل نیز به یک انسان محترم اهانت شده کافی است و اینکه انسان اهانت شده مقصود عامل بوده یا نبوده، تأثیری در عمدی بودن رفتار ارتكابی ندارد، زیرا قانونگذار در صدد حمایت از حیثیت نوع انسان است نه انسان خاص (انسان بماهو انسان). به نظر می‌رسد این تفکر بیش از اینکه به مقوله عنصر روانی در جنایات توجه داشته باشد، به عنصر مادی و حتی مسئولیت مطلق توجه دارد، زیرا در هر حال تعلق سوءنیت به مصداق خارجی به دو صورت است؛ حالت اول اینکه انسان مصداق مشخصی را قصد نکرده، بلکه تمامی مصداق‌ها را قصد می‌کند، مانند توهین یا تهدید به هر انسانی که با او روبه‌رو شود. سوءنیت مرتکب در این فرض نسبت به هر موضوعی که رفتار مرتکب به آن منصرف شود تشکیل شده است. دلیل این امر آن است که از لحاظ منطقی قصد یک موضوع به صورت کلی مستلزم قصد مصادیق مزبور به صورت جزئی است.

حالت دوم فرضی است که انسان قصد موضوع مشخصی را می‌نماید. در این حالت که موضوع خطای در اصابت است، قصد یک یا چند موضوع مشخص به مفهوم عدم قصد سایر موضوعات است، زیرا انصراف اراده به یک یا چند امر مشخص - و نه تمامی مصادیق آن - به معنای آن است که از میان همه مصادیق تنها یک یا چند موضوع قصد شده و سایر موضوعات خارج از نیت فرد قرار دارد (محمدخانی، ۱۳۹۷، ج ۲، ص ۲۳۹).

با توجه به اینکه توهین جرمی است عمدی و مصداق غیر عمدی آن جرم نیست (آقایی‌نیا، ۱۳۹۴، ص ۳۶)، لذا علاوه بر قصد، علم به موضوع نیز ضروری است. با توجه به اینکه موضوع توهین یک انسان معین است، اگر مرتکب در هدف دچار اشتباه شود، مانند پرتاب آب دهان بر

روی فردی خاص و اصابت آن به دیگری، رکن معنوی جرم تشکیل نخواهد شد (احمدزاده، ۱۴۰۲، ص ۳۱). با این حال نگارندگان معتقد هستند که اگر با وجود خطای در اصابت و فقدان قصد توهین به قربانی، مرتکب می‌دانسته و به قول برخی از محققان باید می‌دانسته که رفتار وی به قربانی نامقصود نیز اصابت می‌نماید، وی مرتکب توهین به قربانی شده است. بدیهی است که اگر متهم قصد کلی داشته باشد، بدین معنی که شخص خاص و معینی را قصد نکرده باشد، بلکه هر انسانی موضوع رفتار مرتکب قرار گیرد و او به مقصود خود رسیده باشد، رفتار مرتکب عمدی محسوب می‌شود، زیرا وی با این قصد، تمامی انسان‌ها را مدنظر قرار داده و در صورت اصابت رفتار به هر انسانی، وی عامد محسوب می‌شود. فرض کنید شخصی در نقطه‌ای از پشت‌بام نشسته و می‌داند افرادی از گذر عبور می‌کنند (بدون اینکه هویت آنها را بداند) و آب دهان یا ادرار خود را به پایین پرتاب می‌کند. در این فرض قطعاً مرتکب نمی‌تواند به عدم تعین متوسل شود، زیرا قصد وی واجد وصف مطلق است. این تعبیر که اگر فردی با نوشتن روی دیوار به افرادی که در محلی زباله می‌ریزند اهانت کند، مرتکب بزه توهین نشده، زیرا در لحظه نوشتن مخاطب توهین معین نبوده است (احمدزاده، ۱۴۰۲، ص ۲۲) قابل پذیرش نیست، زیرا در لحظه نوشتن جملات موهن بر روی دیوار، قصد او به افرادی که در محل زباله می‌ریزند خاص گردیده و اگر فردی یا به تعبیر بهتر، هر فردی (مطلق) در آن محل زباله بریزد، می‌تواند از مرتکب شکایت نماید، مگر اینکه توهین غیابی را نپذیریم. مشابه این قاعده را مقنن در بند ۲ ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ در خصوص جنایات پیش‌بینی نموده است.^۱ برخی حقوقدانان با عنایت به بند الف و ت ماده ۲۹۰، سوءنیت را به معین و غیرمعین تقسیم کرده‌اند (فتحی، ۱۴۰۲، ص ۱۴۲) که به نظر نگارندگان، می‌توان عنوان سوءنیت مقید و مطلق را نیز به کار برد.

۳-۱-۲. تهدید

تهدید در لغت به معنای ترساندن و بیم دادن است. موضوع تهدید نیز مانند توهین، انسان زنده است؛ یعنی تهدید باید بر روی یک انسان زنده صورت گیرد (محمدخانی، ۱۳۹۹، ص ۶۳). واژه «دیگری» در ماده ۶۶۹ کتاب تعزیرات متضمن این معنا است که بزه‌دیده تهدید باید مشخص باشد و تهدید افراد نامعین و بدون تعیین مصداق این جرم محسوب نمی‌شود (احمدزاده، ۱۴۰۲، ص ۱۸۵). محتوای تهدید می‌تواند طبق ماده ۶۶۹ کتاب تعزیرات، ضررهای پنج‌گانه باشد. بنابراین اگر الف

۱. در یک پرونده‌ای الف نسبت به خودروهایی که جلوی درب پارکینگ وی پارک نموده بودند، تصمیم گرفت کاغذی با محتوای توهین‌آمیز را زیر برف پاک‌کن شیشه جلوی خودرو قرار دهد بدون اینکه هویت صاحبان خودرو را بشناسد. در این فرض الف به جرم توهین محکوم شد.

پیامک‌های حاوی مطالب تهدیدآمیز مانند «قبر خودت را کنی» یا استیکرهای تهدیدآمیز برای ب ارسال کند و سپس متوجه شود که شخص دریافت‌کننده ب نبوده و ج بوده است و او در شماره‌گیری اشتباه کرده، به لحاظ خطای در هدف‌گیری و ارسال، بزه تهدید نسبت به ج رخ نداده است. بدیهی است که در تهدید پیامکی اگر الف بداند یا ج ثابت کند که الف می‌دانسته که تلفن همراه ب نزد ج است (یا همیشه همراه ج است)، در این صورت نمی‌تواند به اشتباه یا جهل رفع عنصر روانی متوسل شود. با این حال در خصوص تحقق بزه تهدید نسبت به ب، چون برخی از حقوقدانان معتقدند که در صورتی که تهدید به سمع شخص مقصود برسد تهدید محقق است (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۴، ص ۵۵۵)، به نظر می‌رسد بتوان تهدید نسبت به ب را در صورت اطلاع وی، محقق دانست. در تهدید باید خاطر نشان ساخت که ترساندن شرط تحقق جرم است و نه ترسیدن قربانی. مع‌هذا باید توجه داشت که در صورتی که مرتکب بزه تهدید بداند اقدام وی موجب ترساندن فردی می‌شود که در فاصله بسیار کمی از شخص مقصود قرار دارد، اقدام وی نسبت به شخص مقصود و نامقصود، مشمول عنوان کیفری تهدید است (نظریه شرعی).^۱

۳-۱-۳. افترای شفاهی

افترا یعنی نسبت دادن صریح رفتار مجرمانه از روی علم و عمد به دیگری به نحوی که مرتکب نتواند صحت آن را نزد مراجع قضایی به اثبات برساند (الهی منش، مرادی اوچقاز، ۱۳۹۶، ص ۷۱). موضوع بزه افترا نیز انسان زنده معین است. اگر مرتکب ایمیلی برای شخص الف ارسال کند مبنی بر اینکه «تو دختر من را به قتل رساندی» و سپس مشخص شود که شخص منظور مرتکب ب بوده و در ارسال آدرس ایمیل مرتکب اشتباه در رفتار شده است، اقدام وی نسب الف و ب افترا نیست، زیرا خطای مادی او در ارسال ایمیل نوعاً به‌گونه‌ای بوده که موضوع رفتار را با اشتباه مواجهه ساخته است. به سخن دیگر، در زمان ارسال ایمیل نمی‌دانسته که مخاطب وی الف است نه ب. با این حال در صورت احراز علم به موضوع رفتار ارتكابی، مشمول عنوان کیفری افترا با رعایت سایر شرایط قانونی می‌گردد.

۳-۱-۴. افترای عملی

افترای عملی عنوانی است که برای متهم کردن دیگری با شیوه‌های فعلی و عملی به‌کار می‌رود.

۱. برای آشنایی بیشتر با نظریه شرعی مراجعه کنید به امیری، میلاد و همکاران، نظریه شر انتقال یافته در نظام حقوقی انگلستان و قابلیت تسری آن به حقوق کیفری ایران، فصلنامه تعالی حقوق، سال چهاردهم، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲، ص ۱۳۷.

رفتار مرتکب بر اساس ماده ۶۹۹ کتاب تعزیرات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ باید به اشکال ۱. گذاشتن ۲. مخفی کردن ۳. قلمداد کردن باشد. «دیگری» در ماده مزبور دلالت بر این دارد که قصد خاص متهم باید بر روی فردی خاص و مورد نظر مرتکب واقع شود، در غیر این صورت جرم مذکور نسبت به قربانی واقع نشده است. مثلاً الف قصد متهم کردن ب را دارد، لذا مقداری مواد برداشته و به سمت خودروی وی پرتاب می‌کند ولی به دلیل خطای در هدفگیری، مواد داخل خودروی ج افتاده و وی متهم می‌شود و تحت تعقیب قرار می‌گیرد. در این فرض الف به لحاظ فقدان قصد و انگیزه خاص، مرتکب بزه موضوع ماده ۶۹۹ کتاب تعزیرات محسوب نمی‌شود، مگر اینکه معتقد باشیم علم نیز جایگزین قصد خاص یا انگیزه قرار می‌گیرد که در این صورت می‌توان مرتکب را در صورت احراز علم، مجرم دانست!

نتیجه

بر اساس تئوری شر انتقال یافته در نظام کامن‌لا، در موارد اشتباه در شخص، قصد مجرمانه از هدف مقصود نافرجام، به هدف نامقصود فرجام یافته انتقال می‌یابد و جرم واقع شده عمدی محسوب می‌شود، بدین نحو که جرم واقع شده بر جرم دیده حقیقی، نظیر بزه مخاطب منظور محسوب و واجد حکم یکسان تلقی می‌شود با این استدلال که قصد به عنوان چهره‌ای از نیت مجرمانه، از یک هدف معین به هدف نامعین اتفاقی تسری می‌یابد. اما در حقوق کیفری ایران، طبق قاعده فقهی «ما قصد لم يقع و ما وقع لم یقصد» و ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، علی‌القاعده جرم واقع شده مقصود تلقی نشده و جرم عمدی حادث نمی‌گردد، زیرا اشتباه در موضوع جرم علیه اشخاص، در ارکان عنصر روانی تزلزل ایجاد می‌نماید. این مسئله به صورت ویژه در مبحث قتل مطرح می‌شود، اما به سایر جرائم علیه اشخاص خصوصاً جرائم علیه تمامیت معنوی نیز تسری دارد. بنابراین در پرونده‌ای که فردی پیام حاوی محتوای توهین آمیز را بر شخصی ارسال نمود و سپس مشخص گردید در شماره‌گیری اشتباه کرده، در این فرض جرم توهین محقق نشده، زیرا مرتکب قصد اهانت به شخص نامنظور را نداشته، هرچند در عمل توهین رخ داده است. این در حالی است که در حقوق کامن‌لا طبق نظریه شر انتقال یافته، فاعل مرتکب جرم توهین شده، زیرا در تئوری مزبور، هدف انسان بماهو انسان است و قصد اهانت از شخص منظور به شخص نامنظور منتقل می‌شود. در واقع چنین تداعی می‌شود که مرتکب قصد تحقیر مجرمانه انسانی را داشته و در عمل نیز انسانی را تحقیر کرده است. خاص یا معین بودن ذهنی انسان منظور و نامنظور تأثیری در تحقق جرم ندارد. با این حال در یک فرض، حکم نظریه شر انتقال یافته با حقوق ایران برابر می‌شود. فرض مذکور موردی

۱. نگاه کنید به احمدزاده، رسول، جرایم علیه شخصیت معنوی، ص ۳۶.

است که هر چند بنا به ادعای متهم اشتباه در هدف رخ داده، اما برابر اصل جایگزینی قصد و علم طبق ماده ۱۴۴ قانون مجازات اسلامی، به لحاظ احراز علم در عوض قصد موضوع، وی در ورطه بزه علیه تمامیت شخصیت معنوی اشخاص قرار می‌گیرد. برای مثال، الف قصد پرتاب آب دهان بر روی ب را دارد، لکن می‌داند ج در فاصله بسیار نزدیکی از ب قرار داشته و آب دهان بر روی ج نیز خواهد ریخت؛ در این صورت در صورت وقوع رفتار، مرتکب جرم توهین عملی نسبت به ب و ج شده است، هر چند نسبت به ج قصد توهین نداشته و مدعی اشتباه باشد.

منابع

الف) منابع فارسی

۱. آقای جنت‌مکان، حسین، حقوق کیفری عمومی، جلد اول، چاپ چهارم، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۹۳.
۲. آقای نیا، حسین، جرائم علیه اشخاص، شخصیت معنوی، چاپ هفتم، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۴.
۳. احمدزاده، رسول، جرائم علیه شخصیت معنوی، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، تهران، ۱۴۰۲.
۴. اردبیلی، علی، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، چاپ سی‌ام، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۲.
۵. الهام، غلامحسین، برهانی، محسن، درآمدی بر حقوق جزای عمومی، جلد اول، چاپ ششم، نشر میزان، تهران، ۱۴۰۰.
۶. الهی‌منش، محمدرضا، مرادی اوجقاز، محسن، جرائم علیه شخصیت معنوی اشخاص، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۹۶.
۷. پوربافرانی، حسن، مجرم و مسئولیت کیفری، انتشارات جنگل، تهران، ۱۳۹۷.
۸. _____ حقوق جزای اختصاصی جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، انتشارات شهر دانش، تهران، ۱۴۰۱.
۹. حبیب‌زاده، محمدجعفر، حقوق کیفری عمومی، نشر میزان، تهران، ۱۴۰۲.
۱۰. زراعت، عباس، شرح مختصر قانون مجازات اسلامی، جلد اول، چاپ چهارم، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۹۲.
۱۱. سالاری شهرابیکی، مهدی، جرم و ارکان متشکله آن، جلد دوم، جنگل، تهران، ۱۴۰۰.
۱۲. عابدی، احمدرضا، نگرشی کاربردی به حقوق جزای عمومی، چاپ دوم، مرکز مطبوعات و انتشارات قوه قضاییه، تهران، ۱۴۰۰.
۱۳. فتحی، محمدجواد، حقوق کیفری عمومی، نشر میزان، تهران، ۱۴۰۲.
۱۴. قورچی بیگی، مجید، نقیبی، سید محمدرضا، «نظریه سوء نیت انتقال یافته در حقوق انگلستان و تطبیق آن با حقوق ایران»، فصلنامه قضاوت، شماره ۸۴، ۱۳۹۴.
۱۵. محمدخانی، عباس، عنصر روانی جرائم عمدی، جلد اول، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۵.
۱۶. _____ عنصر روانی جرائم غیر عمدی، جلد دوم، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۷.
۱۷. _____ جرائم علیه اشخاص، شخصیت معنوی، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۹.
۱۸. موسوی خوشدل، فاطمه، عنصر معنوی در نظام ایالات متحده آمریکا، اثر واین آر لفیو، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۰.
۱۹. میرمحمدصادقی، حسین، جرائم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، چاپ سی و دوم، نشر میزان، تهران، ۱۴۰۱.
۲۰. _____ حقوق جزای عمومی، جلد اول، انتشارات دادگستر، تهران، ۱۳۹۹.
۲۱. _____ حقوق جزای عمومی، جلد دوم، انتشارات دادگستر، تهران، ۱۴۰۱.

۲۲. نجیب حسینی، محمود، نظریه عمومی قصد جنایی، ترجمه سید علی عباس نیای زارع، چاپ دوم، نشر میزان، تهران، ۱۳۹۶.
۲۳. یکرنگی، محمد، عالی پور، حسن، «معیار علم به وقوع نتیجه در حقوق کیفری ایران با رویکرد تطبیقی به حقوق انگلستان و فقه امامیه»، مطالعات حقوق کیفری و جرم‌شناسی، شماره ۳-۲، ۱۳۹۴.

ب) خارجی

24. Allen, Michael, Edwards, Ian, Criminal Law, 2019.
25. Ashworth, Andrew, Principles of Criminal Law, 2006.
26. Bohlander, Michael, Transferred malice and Transferred defenses, 2010.
27. Dressler, Joshua, Understanding Criminal Law, (5 th), 2009.
28. Husak, N. Douglas, Transferred Intent, 1996.
29. Lafav, W. Criminal Law, (4th ed.), 2003.
30. Peter, B, Kutner, the Prosser Myth of Transferred Intent, 2016.
31. Sitnik, Piotr, theoretical underpinnings of the doctrine of Transferred Malice, 2016.
32. Westen, K. Peter, The Significance of Transferred Intent, 2013.